

شورش
و
غوغای
مردم
ا
ر
ز
ن
ة
الروم

« ۳ »



اسمعیل امیر خیزی

خلاصه آنچه در روضة الصفا نوشته شده عبارت از این است که مردم ارزنة الروم بر طبق سوابدید اسعد پاشا بهانه بی بدست آورده موجبات توهین وزیر نظام را فراهم آوردند لذا یکی از همراهان وزیر نظام را تهمت زدند که بایک پسر خردسالی بعمل شنیع پرداخته و هیاهومی راه انداختند و کار بجائی رسید که اطراف منزل وزیر نظام را احاطه کردند و جدال پرداختند و دوپاسه نفر از همراهان وزیر کشته شدند و کار بجائی منتهی شد که نزدیک بود که میرزاتقی خان و تمامت همراهان وی بدست شورشیان که عده آنان از شمار بیرون بود گرفتار یا کشته شوند و یک نفر از هول جان خود را از بالای عمارت به زمین انداخت مردم او را گرفته به بازار قصابان برده تکه تکه اش کردند بالاخره بحری پاشا که رتبه فریقی داشت

از قضیه مستهضر شد با عده از عساکر خود به سوی منزل سفیر حرکت کرد .

چون شورشیان آوای کوس و نای شنیدند پنداشتند که عسکر دولتی به یاری ایشان می آیند بر جسارت خود افزودند و کار محصورین بجائی رسید که مجبور شدند که هر چه از اسباب منزل بود از نقد و جنس بر سر مهاجمین ریختند که ساعتی ایشان را مشغول سازند در این حیص و بیص بحری پاشا مقابل منزل وزیر نظام رسید عده از آن افراد که با وی آمده بود در اطراف منزل سفیر ایران گذاشت و روی به مهاجمین کرد و بفرمود شما باز گردید و محاکمه این پیش آمد به من واگذار کنید مردم بازاری چنان جسور شده بودند که سخنان فریق پاشا را نیز وقتی نگذاشته دست از یغما گری برنداشتند تا آنکه فوج عسکر بحری پاشا کاملاً به اطراف منزل امیر رسیدند آنگاه عده ای را به فراز بام عمارت مأمور کرده غوغائیان خانه کن را بیرون کردند و نردبانهای اطراف را برداشتند خود نیز نزد میرزاتقی خان آمده و معذرت جست سپس به اسعد پاشا پیغام کرد که حکم کند تاجماعت متفرق شوند والا خود به دفع آنان خواهد پرداخت چون اسعد پاشا کار را به خلاف آرزوی خود دید ناچار قاضی را فرستاد تاجماعت را متفرق کند آنگاه یعنی پس از متفرق شدن مهاجمین اسعد پاشا و سفرای انگلیس و روس و قاضی نزد میرزاتقی خان آمده و جراح آوردند که به ما لجه زخم داران پردازد هر چند که خود میرزاتقی خان نیز چند زخم سنگ برداشته بود ولی ابتأ ابراز نکرد . چون منزل مسکونی میرزاتقی خان دیگر قابل سکونت نبود قرار بر این داده شد که وزیر نظام چند روزی با کسانش مهمان بحری پاشا باشند تا منزل مناسبی برای ایشان معین شود .

اسعد پاشا گفت آنگاه چند دست لباس رومی تهیه شود که وزیر نظام و کسانش به لباس رومی ملبس شوند تا مردم ایشان را نشناسند . میرزاتقی خان گفت من هر گز لباس ایرانی را عوض نمیکنم . بالجمله بحری پاشا سفیر و همراهانش را سوار کرده به اردو برد .

پس از این پیش آمد میرزاتقی خان با سفرای انگلیس و روس ملاقات کرد و گفت دیگر توقف مادرین شهر بی ثمر است و باید من به تبریز مراجعت کنم و کلاً به این امر رضایت ندادند و گفتند اگر از امروز تا بیست و دو روز بد کارها بنحوی انجام پذیر نشد ما را در مراجعت شما حرفی نخواهد بود . آنگاه صورت ضرر و خسارت سفیر و همراهانش را خواسته ما وقع را توسط چاپار به باب عالی فرستادند .

در روز بیست و دوم یوسف بیگ ملقب به یاور حرب وارد شد . معادل پانزده هزار تومان به رسم ترفیه و اسم غرامت آورده هر پانصد تومان را در مجموعه ای نهاده سی عدد مجموعه به دست و کلاً و ارباب مناصب داده که از میان بازار و خانه پاشا بمنزل سفیر ایران آوردند و تمامت

اهالی ارزنة الروم را اتحاد دولتين معلوم گرديد و از رفتار خود ندامت حاصل کردند. ميرزا محمدتقي خان حاضر نبود که آن مبلغ را دريافت کند ولی در اثر اسرار و کلاهی دولتين ناچار شد که آن مبلغ را قبول کند و چون ياور حرب از ارزنة الروم به استانبول بازگشت و چگونگی را بعرض اولیای دولت معروض داشت اسمد پاشا را به استانبول احضار کردند و از حکومت عزلش کردند و حکومت ارزنة الروم را به فریق پاشا واگذار نمودند .

پس از چندی پاشای دیگری با دو فوج از افواج شام برای تنبيه مقصرين به ارزنة - الروم فرستاده شد. پاشای مزبور پس از رسیدن بمحل مأموریت خود در غایت حزم قاضی را معزول کرد و سید نصر از کسانی را که احتمال میداد آن ها وجبات شورش را فراهم آورده بودند گرفتار زندانی کردند و پس از یکماه پاشای دیگری با چند فوج برسم ساخلو به ارزنة الروم آمد در روز ورود او فریق پاشا به استقبالی وی عزیمت نمود ولی پیش از رسیدن افواج مجدد صدای تفتگی بلند شد و فریق پاشا از روی زمین در افتاد و جان سپرد ولی قاتل پیدا نشد و هر کس بزعم خود چیزی میگفت بالجمله افواج سابقه روانه شدند. جمعی از مقصرين را با خود بردند که مورد سیاست سلطانی شدند چون لختی از ایام گذشت از جانب دولتين احکام مصالحه و ارقام معاهده در رسید و برای تهنیت دولتين مجلسی آراستند و حسب المعمول شلیک توپخانه کردند و چادری بزرگ برای وزیر نظام ایران در بیرون شهر زدند و يك فوج نظام را مأمور کردند که در وقت عزیمت وزیر نظام به خیمه مذکور در رکاب او همی رفتند تا پیاده شد به دوازده جای وقوه و پنجاه تومان به عملجات پاشا انعام داد و وداع کردند و وزیر روبراه نهاد و يك نفر یوزباشی سواره نظام با پنجاه سوار به همراهی و مهمانداري میرزاتقی خان تاسرحد ایران که قازلی گول بود مأمور آمده از طرف دولت ایران سوار بسیاری به استقبال آمده بودند .

چون یوزباشی قصد مراجعت کرد وزیر نظام يك طاقه شال به یوزباشی و پنجاه تومان به سواران داده ایشان بازگشتند و میرزاتقی منزل به منزل راه سپرد تا آن که وارد تبریز شد و از آنجا به دارالخلافه تهران آمده شرفیاب حضوره محمد شاه گردید و عهدنامه را به نظر شاه رسانید و مورد الطاف خاقانی گردید. (۱)

عهد نامه

برای استحضار از مواد عهد نامه که ما بین دولت ایران و عثمانی که ما بین میرزا تقی خان نماینده ایران و نماینده دولت عثمانی در تاریخ بیست و ششم جمادی الثانیه در شهر ارزنة الروم منعقد شده سواد آن را ذیلا مینگاریم :

۱- از شورش و غوغای مردم تا اینجا تفصیل از کتاب روضة الصفا بود .

فرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات آن که ازمندی بدین طرف چون
 قیما بین سلطنت جاوید آیت و دولت دوران مدت علیه ابدی الارام با دولت علیه عثمانی بعضی
 عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر مقتضای الثیام اساس دولتی و الفت و ضوابط
 سلم و صفوت و جهت جامعه اسلامی که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلمیه که طرفین
 علیتین بدان متصف میباشند بالسویه این گونه مواد نزاعه را بوجه موافق و مناسب فخامت
 شأن دولتین علیتین به تجدید تأکید بنیان صلح و مسالمة و تشدید ارکان موالات و مودت از
 جانب دولتین علیتین اظهار بر غبت و موافقت شد برای تنظیم و مذاکره و مواد عارضیه و تحریر
 و تسطیر اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت مملکت دار
 مملکت گیر آرایش تاج و سریر جمال الاسلام و المسلمین جلال الدنیا والدین غیاث الحق و -
 الیقین قهرمان بماء والطین ظل اله الممدود فی الارضین حافظ حوزة مسلمانی داور جمشید جاه
 داراب دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زیب بخش تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو در یاد
 کامران شاهنشاه ممالك ایران السلطان بن السلطان والخواقان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
 محمد شاه ادام اله تعالی زمام سلطنة فی فلك الاجلال و زین قدرة بمصایح کواکب الاقبال بنده
 درگاه آسمان جاه میرزا محمد تقی خان وزیر عساکر منصوره نظام و غیر نظام که حامل نشان
 شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل افتخار سبزه است بوکالت مخصوص و مباهی گشته و
 نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلك تاجداری بدرافق شهریاری پادشاه اسلام
 پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمين الشريفین ذوالشوكة والشهامة السلطان
 بن السلطان بن السلطان عبدالحمید خان جناب مجدت و عزت نصاب انوری زاده السید مجمد
 انوری سعداله افندی که از اعظام رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صفت صنف اول از رتبه اولی و
 حامل نشان مخصوص به آن رتبه است مرخص و تعیین شده بوجه اصول عادیه بعد از نشان
 دادن و ملاحظه و مبادله و کالت نامه های مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن ۹ فقره آیه
 قرارداد شده که در این کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقد ارزنة الروم مبادله میشود :

فقره اول : دولتین اسلام قرار میدهند که مطالبات تقدیه طرفین را که تا بحال از
 یکدیگر ادعا میکردند کلهها ترك کنند و لکن با این قرار بمقاولات تسویة مخصوصة مندرجه
 در فقره چهارم خللی راه نیابد .

فقره دوم : دولت ایران تمهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی
 اراضی جانب غربی آنرا به دولت عثمانی ترك کنند و دولت عثمانی نیز تمهد میکند که جانب
 شرقی ولایت یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کردند به دولت ایران ترك کنند و

دولت ایران قویاً تمهد میکنند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده و به حق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتاً من الاوقات يك طور دخل و ترمض نمایند و دولت عثمانیه نیز قویاً تمهد می نمایند که شهر و بندر حمزه و جزیره الخضرو لنکر گاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است به مملکت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتی های ایران به آزادی تمام از محلی که شط العرب به بحر منصب میشود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند .

فقره سوم : دولتین متعهدتین تمهد میکنند که به این معاهده حاضره سایر ادعا شان را در حق اراضی ترك کرده از دو جانب بلا تأخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند .

فقره چهارم : طرفین قرارداد داده اند که خساراتی که بعد از قبول اخطارات دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاول سنه هزار و دوست و شصت و یک تبلیغ و تحریر شده به طرفین واقع شده و هم رسومات مراعی از سالی که تا اخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورین را معین نمایند .

فقره پنجم : دولت عثمانی وعده میکند که شاهزادگان ایران را در و بر سا « اقامت داده و غیبت آنها را از محل مذکور مر او ده مخفی آنها را به ایران رخصت ندهند و از طرف دولتین علینین تمهد میشود که سایر قراری بموجب معاهده سابقه ارزنة الروم عموماً رد شوند .

فقره ششم : تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکور نقداً یا جنساً بوجهی که در عهدنامه منعقدۀ ارزنة الروم در سنه هزار و دوست و سی و هشت در ماده ششم که دایر بر تجارت است مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکور تعیین شده زیاده و جهی مطالبه نشود .

فقره هفتم : دولت عثمانیه وعده میکند که بموجب عهدنامه های سابقه اختیاراتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند به کمال امنیت محل های مبارکه را که در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تمهد میکنند که به مراد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فی مابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسبترین مسائل را استحصا ل نمایند تا چنان که زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه به جمیع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکور بهره ور بوده خواه در تجارت و خواه در موارد سایرۀ از هر نوع ظلم و تعدی

وی حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانی به جمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینمایند و وعده میکنند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکور باشد و در حق قونسولهای سایر دول متجا به جاری میشود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد میکند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیه به جمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین و در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابل را کاملاً اجرا دارد .

فقره هشتم : دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع و غارت و سرقت عشایر و قبایل که در سرحد میباشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکراقامت خواهند داد. دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهد هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت در اراضی یکدیگر و وقوع می باید بر آیند . قرار دادند عشایری که متنازع فیه باشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد ازین دائماً اقامت خواهند کرد يك دفعه به اراده خود ایشان حواله شود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند .

فقره نهم : جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده بی که در سنه ۱۲۳۸ در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه به این معاهده حاضره الغا و تغییر نشده مثل آن که کلمه به کلمه در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و فیما بین دو دولت علیه قرارداد شده است که بعداً مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضاء شده تصدیق نامه های آنها مبادله خواهند کرد . و کان ذلك فی یوم سادس عشرون شهر جمادی الثانی سنه هزار و دو بیست و شصت و دو . ادامه دارد

